

بررسی انواع تاکید در زبان فارسی

محمد راسخ مهند

استادیار دانشگاه بوعلی سینا، همدان

تکیده:

سطلاح تاکید [focus] حداقل در دو معنی در مباحث زبانشناسی به کار رفته است: نخست، اشاره به سازه یا عبارتی دارد که از حیث آوایی برجسته تر از سازه‌های دیگر جمله تلفظ می‌شود (جکنداف ۱۹۷۱، ولدووی ۱۹۹۰، ولدووی و انگدال ۱۹۹۶، روث ۱۹۹۵)، و کاربرد دوم آن به معنای بخشی از جمله است که دارای اطلاع نو می‌باشد و از آن به عنوان تاکید جمله یاد می‌شود (جکنداف ۱۹۷۲، ولدووی ۱۹۹۰، روث ۱۹۹۵، کیدوای ۲۰۰۰، ایشی هارا ۲۰۰۰، برونتی ۲۰۰۳، کولز ۲۰۰۳). تاکید را می‌توان در زبان‌های مختلف با استفاده از ابزار آوایی، صرفی و نحوی نشان داد. برخی زبانها از یکی از این ابزارها استفاده می‌کنند؛ برخی دیگر از همه این ابزارها برای بیان تاکید بهره می‌گیرند (ولدووی و انگدال ۱۹۹۶، زوبی زارتا ۱۹۹۸، کیدوای ۲۰۰۰). در بسیاری اوقات از ترکیبی از ابزارهای نحوی، صرفی و آوایی برای نشان دادن تاکید استفاده می‌شود. در این مقاله سعی بر آن است تا نشان دهیم در زبان فارسی انواع تاکید کدامند و چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. به این منظور سعی می‌شود تعریف مشخصی از تاکید ارائه شود و تفاوت آن با مبتدا [topic]، و زمینه [ground] یا پیش‌انگاره [presupposition] مشخص شود. همچنین میان تاکید اطلاعی [information focus] جمله که در هر جمله وجود دارد و دارای اطلاع نو می‌باشد و می‌تواند بخشی از جمله یا کل آن را شامل شود، و فقط شامل موضوعهای درونی [internal arguments] و متمم‌ها می‌باشد؛ و تاکید تقابلی [contrastive focus] که تاکید نشاندار است و لزوماً در هر جمله‌ای وجود ندارد و علاوه بر داشتن اطلاع نو، معنای تقابل [contrast] یا نوعی برجستگی [prominence] در خود دارد و فقط شامل واژه یا بخشهای کوچکتر از واژه می‌شود، و می‌تواند شامل همه موضوعها و ادات [adjunct] نیز باشد؛ تفاوت می‌گذاریم.

واژگان کلیدی: نحو، کاربردشناسی، تاکید، تاکید اطلاعی، تاکید تقابلی

برداخته شده است که به ارتباط میان تاکید و عوامل آوایی توجه دارند و در بخش (۲-۳) به دیدگاههایی اشاره شده که به نمایش نحوی تاکید توجه دارند.

بسیاری از زبانشناسان میان دو نوع تاکید تفاوت قائل شده اند. نوع اول، تاکید است که فقط اطلاع نو و از پیش فرض نشده را در اختیار شونده قرار می دهد. و نوع دوم تاکید است که دارای نوعی تقابل با اطلاع قبلی شونده است و فرض قبلی وی را تصحیح می کند (ولدروی ۱۹۹۰، ولدروی و انگدال ۱۹۹۶، زویی زارتا ۱۹۹۸، کیس ۱۹۹۸، ایشی هارا ۲۰۰۰، سزوندیری ۲۰۰۱، برونتی ۲۰۰۳، کولز ۲۰۰۳). در این مقاله برای اشاره به تاکید نوع دوم از تاکید تقابلی [contrastive focus] استفاده می شود. در بخش (۳) به تفاوت این دو نوع تاکید در فارسی پرداخته شده است.

تاکید را می توان در زبانهای مختلف با استفاده از ابزار آوایی، صرفی و نحوی نشان داد. برخی زبانها از یکی از این ابزار استفاده می کنند؛ برخی دیگر از همه این ابزار برای بیان تاکید استفاده می کنند (ولدروی و انگدال ۱۹۹۶، زویی زارتا ۱۹۹۸، کیدوای ۲۰۰۰). در بسیاری اوقات از ترکیبی از ابزارهای صرفی، نحوی و آوایی برای نشان دادن تاکید استفاده می شود. بخش (۳) به شیوه های مختلف در نمایش تاکید می پردازد که شامل استفاده از ابزار آوایی، ابزار صرفی و ابزار نحوی می باشد. داده های فارسی نشان می دهد این زبان از هر سه ابزار برای نشان دادن تاکید بهره می برد و در بسیاری موارد در هر جمله ترکیبی از آنها را به کار می برد.

۲. تکیه کیده

درباره تاکید مطالب بسیاری نوشته شده است. در این بخش سعی می شود دیدگاهها و آرای مختلف درباره تاکید معرفی شود و به نقاط مشترک و متفاوت این دیدگاهها اشاره شود. در بخش (۲-۱) به دو دیدگاههای آوایی و در بخش (۲-۲) به نمایش نحوی تاکید اشاره می شود.

در بسیاری از منابعی که به بحث تاکید پرداخته اند از آزمون پرستش و پاسخ برای نشان دادن تاکید استفاده شده است (ولدروی ۱۹۹۰، هاکی ۱۹۹۸). بر این اساس پاسخی که به کلمه پرسشی داده می شود، تاکید جمله است. یعنی تاکید بخشی از جمله است که دارای اطلاع نو است و دانش قبلی شنونده را افزایش می دهد. بخش مقابل تاکید، زمینه است^۱ که دارای اطلاع نو نیست. در پاسخ به

مقدمه

ملاح تاکید [focus] حداقل در دو معنی در مباحث زبانشناسی به کار رفته است: نخست، اشاره به به یا عبارتی دارد که از لحاظ آوایی برجسته تر از سایرهای دیگر جمله تلفظ می شود (چکنداف ۲۰۰۳، ولدروی ۱۹۹۰، ولدروی^۱ و انگدال ۱۹۹۶، روت^۲ ۱۹۹۵) و کاربرد دوم آن به معنای بخشی از له است که دارای اطلاع نو می باشد و از آن به عنوان تاکید جمله یاد می شود (چکنداف ۱۹۷۲، بوی ۱۹۹۰، روت ۱۹۹۵، کیدوای ۲۰۰۰، ایشی هارا ۲۰۰۰، برونتی ۲۰۰۳، کولز ۲۰۰۳). برای تمایز نمایان دو معنا و با پیروی از گودجواک^۳ (۲۰۰۰) برای کاربرد نخست این واژه از اصطلاح بستگی آوایی [prosodic prominence] استفاده می کنیم و اصطلاح "تاکید" را در معنای دوم و معادل "تاکید جمله" به کار می بریم. البته اکثر منابعی که ذکر آن رفت بر این نکته تاکید کرده اند میان برجستگی آوایی و تاکید جمله ارتباط وجود دارد، هر چند ماهیت این ارتباط کاملاً مشخص

نیست. به همین جهت، این مقاله با هدفی که به عبارت پرسشی داده می شود، تاکید جمله است (۲-۱). سوالی که در این مقاله مطرح می شود این است که آیا عاملی دستوری وجود دارد که تاکید را در زبان نشان دهد؟ بسیاری از زبانهای مختلف از تکیه جمله [sentence stress] به عنوان یکی از سرزمینهای تکیه یاد می شود (سینک ۱۹۹۳، رابهارت ۱۹۹۵، زویی زارتا ۱۹۹۸، کیس ۱۹۹۸، سزوندیری ۲۰۰۳، برونتی ۲۰۰۳). بر این اساس عبارتی که تاکید جمله است با تکیه جمله در ارتباط است (۲-۲). پس تاکید فقط مفهومی کلومی نیست زیرا با تکیه جمله نیز در ارتباط است. از طرفی در برخی از با آرایش واژگانی جمله نیز در نشان دادن تاکید جمله دخلیل است (ولدروی ۱۹۹۰، جوی ۱۹۹۶، تبارت و نیلسن ۱۹۹۷، برونتی ۲۰۰۳). در برخی از این زبانها تاکید می نشان در جمله دارای جایگاه ی خاصی است (۲-۳). همچنین برخی ساختهای نحوی، مانند جملات اسنادی شده [cleft] و شبه ادی شده [pseudo-cleft] نیز در نشان دادن تاکید جمله نقش دارند. پس تاکید، علاوه بر اینکه رسمی کلاسی و آوایی است، به ساخت نحوی جمله نیز ربط دارد. در بخش (۲-۱) به دیدگاههایی

1- Vallduvi

2- Rooth

واژه‌ای هستند که تأکید می‌باشد و مثال (۵) واحدی کوچکتر از واژه را به عنوان تأکید نشان می‌دهد. (ذکر این نکته ضروری است که در مثالهای زیر تکیه جمله قویتر از حالت بی نشان (جملات (۱) تا (۳) است، به همین خاطر آن را با حروف تیره نشان داده ایم. تفاوت این دو نوع تکیه را در بخش (۳) می‌می‌گیریم.

(۴) الف، نازنین یکی کامپیوتر جدید خرید.

به نازنین یک کامپیوتر جدید خرید.

(۵) نازنین باور سال لندن بود نه اسما.

در (۴) الف تأکید جمله "جدید" است و در (۵) ب "نازنین" است. رابطه متناظری بین تأکید و تکیه در (۴) وجود دارد. اما در (۵) تکیه جمله بر پیشوند "بار" قرار می‌گیرد تا با پیشوند "ام" در اسما "در" جمله باشد. پس بر این اساس تأکید جمله می‌تواند واژه و گاهی اوقات واحدهایی کوچکتر از واژه باشد. همچنین مواردی که دامنه تأکید محدود به واژه یا واحدی کوچکتر است، به آن تأکید محدود [Narrow focus] می‌گویند (گودجواکی ۲۰۰۰). تأکید محدود منحصر به واژه‌ای است که دارای تکیه است.

در (۶) الف تأکید جمله برابر با واژه‌ای که تکیه دارد نیست. گاهی یک واژه تکیه دارد، اما تأکید یک کلمه یا کلمه است (مثالهای (۷) پس ادعای دیدگاه خاص - بنیاد مبنی بر اینکه همیشه رابطه تکیه و تأکید یکسان است. در (۷) در رویکرد ساخت - بنیاد میان توزیع تکیه و توزیع تأکید رابطه متناظر وجود ندارد. در (۸) در رویکرد ساخت - بنیاد میان آن با تکیه برابر است؛ اما در تأکید گسترده [Broad focus] که به آن "تکیه-واژه" تأکید جمله محسوب می‌شود، رابطه یک به یک بین تکیه و تأکید وجود ندارد. این وضعیت باعث به وجود آمدن ابهام در تأکید جمله می‌شود. مثال (۹) را در نظر بگیرید.

(۹) نازنین یک کامپیوتر نو خرید است.

در این جمله تأکید بر روی واژه "کامپیوتر" است. می‌توان جمله (۹) را در پاسخ به سولات مختلف در (۱۰) به کار برد:

(۱۰) الف: آیا نازنین یک ضبط صوت نو خریده است؟

ب: نازنین چه چیزی خریده است؟

ج: نازنین چه کار کرده است؟

د: نازنین چقدر پول خریده است؟

پریش مسمولاً فقط تأکید جمله ذکر می‌شود و این بی نشان ترین حالت گفتگو است (ولندوی و انگدال ۱۹۹۶)؛ اما در مباحث زبانشناسی برای نشان دادن بخش زمینه، آن را نیز در بخش پاسخ می‌آورند. مثالهای (۱) تا (۳) به رابطه میان کلمات پرستی و تأکید جمله می‌پردازد و نشان می‌دهد که دامنه تأکید در جمله بستگی به نوع کلمه پرستی دارد. زیر بخش تأکید جملات خط کشیده شده است.

(۱) چه خبر است؟

نازنین با عرومکش بازی می‌کند.

(۲) نازنین چه کار می‌کند؟

نازنین / او با عرومکش بازی می‌کند.

(۳) نازنین با چی بازی می‌کند؟

نازنین / او با عرومکش بازی می‌کند.

همانطور که مشخص است در جمله (۱)، تأکید شامل تمام جمله است در حالی که در جمله (۲) شامل گروه فعلی و در جمله (۳) شامل مفعول جمله است. تأکید جمله در برخی زبانها به لحاظ آوایی برجسته است (مانند انگلیسی) و در برخی زبانها آرایش واژگانی جمله، تأکید را نشان می‌دهد (مانند کاتالان). این دو رویکرد به نمایش تأکید را در بخش‌های (۱-۲) و (۲-۱) بررسی می‌کنیم.

۱-۲ نمایش آوایی تأکید

همانگونه که در مقدمه ذکر شد تأکید با ساخت آوایی و ساخت نحوی جمله در ارتباط است. در این بخش به ارتباط تأکید با تکیه جمله، به عنوان واحدی آوایی، خواهیم پرداخت.

اگر محققان بر این نکته متفق‌القولند که ساخت آوایی جملات در نشان دادن تأکید جمله موثر است، اما چگونگی تحقق این امر مورد اتفاق نیست. دو رویکرد در ارتباط با چگونگی رابطه میان تأکید و عناصر آوایی و به طور خاص تکیه جمله وجود دارد. هاکی (۱۹۹۸) به پیروی از لد (۱۹۹۶) آنها را شیوه‌های "شاخص" - بنیاد [highlighting based] و "ساخت بنیاد" [structure based] می‌نامد. در شیوه شاخص - بنیاد میان تأکید و تکیه جمله رابطه یک به یک وجود دارد: هر تأکید دارای یکی تکیه است و هر تکیه یکی تأکید را نشان می‌دهد. بر این اساس واژه‌هایی که تکیه جمله را با خود دارند، تأکید جمله محسوب می‌شوند. البته در این الگو تأکید می‌تواند واژه یا واحدهای کوچکتر از واژه باشد، اما نمی‌تواند واحدی بزرگتر از واژه باشد (گودجواکی ۲۰۰۰). مثال‌های (۳) نشان‌دهنده

این باوراند که تاکید جمله از طریق ساختار نحوی آن مشخص می‌شود. دیدگاه آنها تحت نام فراخنکی تاکید [focus projection] مطرح است. فرضیه‌های مطرح در (۸) و (۹) در این دیدگاه وجود دارد.

(۸) قاعده اصلی تاکید (سلرک ۱۹۹۵)

واژه‌ای که دارای تکیه جمله است، دارای نشانه تاکید است.

(۹) فراخنکی تاکید

الف. اگر هسته یک گروه دارای نشانه تاکید باشد، کل گروه دارای این نشانه است.

ب. اگر موضوع درونی یک هسته دارای نشانه تاکید باشد، هسته آن عبارت نیز دارای تاکید باشد.

ج. اگر هسته دارای نشانه تاکید باشد، ادات [adjunct] آن هسته نیز می‌توانند دارای نشانه تاکید باشند.

طبق قاعده (۸)، میان تکیه و تاکید رابطه وجود دارد؛ اگر واژه‌ای دارای تکیه اصلی جمله باشد، کل یا بخشی از تاکید جمله محسوب می‌شود. پس طرح نمایش نحوی تاکید نیز جدا از ویژگی آوایی آن نیست. در واقع بحث تاکید، موضوعی است که در تعامل بین ساخت آوایی و نحوی قرار دارد. اما قواعد مطرح در (۹)، نشان می‌دهد چگونه واحدهای بزرگتر از واژه‌ای که دارای تکیه است، یعنی گروه و جمله، نیز می‌توانند تاکید جمله باشند. اگر قرار است واحدی در جمله تاکید باشد، باید واژه‌ای که تکیه جمله را با خود دارد، درون خود داشته باشد. و البته (۹) ب نشان می‌دهد که این واژه باید هسته باشد تا بتواند از طریق فراخنکی کل سازه را به عنوان تاکید نشان دهد. اگر واژه دارای تکیه باشد، ادات یا موضوع بیرونی [external argument] باشد، نمی‌تواند فراخنکی کند و تنها تاکید

مجموعه جمله ممکن است (رایبهارت ۱۹۹۷، سوزندری ۲۰۰۰، گودجواک ۲۰۰۰). بنابراین اگر تکیه جمله بر تکیه مفعول مستقیم، که متمم است، باشد؛ سازه‌های دیردارنده آن، یعنی گروه فعلی و جمله، نیز نمی‌توانند تاکید جمله باشند. بحث مربوط به مثالهای (۶) و (۷) این موارد را نشان می‌دهد. اما اگر تکیه جمله بر روی ادات باشد، مانند جمله (۴) الف که تکیه بر روی صفت "جدید" است، و یا بر روی موضوع بیرونی باشد، مانند (۵) ب که تکیه بر روی فاعل جمله "تازنین" است؛ در آنصورت تاکید محدود به واژه دارای تکیه است و نمی‌تواند سازه‌ای بزرگتر باشد و فراخنکی کند.

جمله (۶) را که در (۱۰) تکرار شده است در نظر بگیرید. همانطور که در بخش (۷-۱) عنوان شد در این جمله تاکید دارای ابهام است، و بسته به بافتهای مختلف می‌تواند اسم (کامپیوتر)، گروه اسمی در نقش مفعول (یک کامپیوتر نو)، گروه فعلی (یک کامپیوتر نو خریده است) و کل جمله باشد. نمودار نحوی این جمله (۱۱)، نحوه فراخنکی تاکید را بر اساس قواعد (۸) و (۹) نشان می‌دهد. واحدهایی را می‌توانند تاکید جمله باشند با [F] نشان داده ایم. البته این نکته در نظر گرفت که این

وقتی جمله (۶) را در پاسخ به سوال (۷) الف به کار می‌بریم، تاکید محدود در جمله وجود دارد زیرا محدوده آن فقط یک واژه است و در تقابل با ضبط صوت در پرسش آورده شده است. در بحث انواع تاکید در بخش (۲-۲) به این نوع تاکید تقابلی اشاره خواهد شد. اگر جمله (۶) در پاسخ به پرسش (۷) ب آورده شود، تاکید جمله گسترده تر است زیرا مفعول جمله، یعنی "یک کامپیوتر نو"، را دربردارد که برابر با عبارت پرسشی است که در سوال مطرح است. اگر جمله (۶) در پاسخ به سوال (۷) ج آورده شود، تاکید جمله باز هم گسترده تر است و کل گروه فعلی "یک کامپیوتر نو خریده است" را دربرمی گیرد. و در نهایت اگر جمله (۶) پاسخ سوال (۷) د باشد، کل جمله تاکید می‌باشد و دارای اطلاع نو است. پس می‌توان گفت عبارات "محدود" و "گسترده" نسبی هستند. در ادامه مقاله حاضر (بخش ۲-۲) از عبارات مشخص تری برای اشاره به انواع تاکید استفاده می‌شود. همانطور که مشخص است، جمله‌ای که خارج از بافت بررسی می‌شود می‌تواند دارای ابهام در تاکید باشد. البته همیشه نیز اینگونه نیست. اگر تکیه جمله بر روی کلماتی خاص قرار گیرد، باعث ابهام نمی‌شود. مثلاً اگر در جمله (۶) تکیه جمله بر واژه "نو" قرار گیرد، تنها می‌توان تاکید محدود را از آن استنباط کرد که در آنصورت "نو" در مقابل "کهنه" با واژه‌ای نظیر آن قرار می‌گیرد.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که در جمله (۶) مجموعه تاکید [focus set]، یعنی سازه‌هایی که می‌توانند تاکید جمله باشند (رایبهارت و نیلن ۱۹۹۷)، شامل اسم، گروه اسمی (در نقش مفعول)، گروه فعلی و جمله می‌باشند. پس همیشه رابطه یکی به یک میان تکیه جمله و تاکید وجود ندارد. سوالی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان در جمله‌ای واحد، مانند (۶)، مجموعه تاکیدی داشت که بیش از یک تاکید در خود دارد. به عبارت دیگر وقتی تکیه بی نشان جمله بر روی کلمه "کامپیوتر" قرار دارد، چه عواملی باعث می‌شود که بتوان سازه‌های مختلف را در بافتهای مختلف تاکید جمله به حساب آورد. در بخش (۲-۲) به بحث نمایش نحوی تاکید می‌پردازیم که سعی دارد پاسخی برای این سوال ارائه کند.

۲-۱-۲ نمایش نحوی تاکید

همانطور که در بخش (۷-۱) عنوان شد، همیشه رابطه یکی به یکی بین عنصر دارای تکیه و تاکید جمله وجود ندارد. به عبارت دیگر، تنها نمایش آوایی نمی‌تواند تاکید جمله را مشخص کند. از اینرو، در دیدگاهی دیگر، به نمایش نحوی تاکید توجه شده است. سلرک (۱۹۹۵) و روچنت (۱۹۹۸) بر

می‌توان گفت جایگاه تأکید تقابلی در جمله آزادتر از تأکید اطلاعی است. تأکید اطلاعی در هر جمله‌ای وجود دارد، اما تأکید تقابلی اینگونه نیست.

۳-۱- تأکید اطلاعی

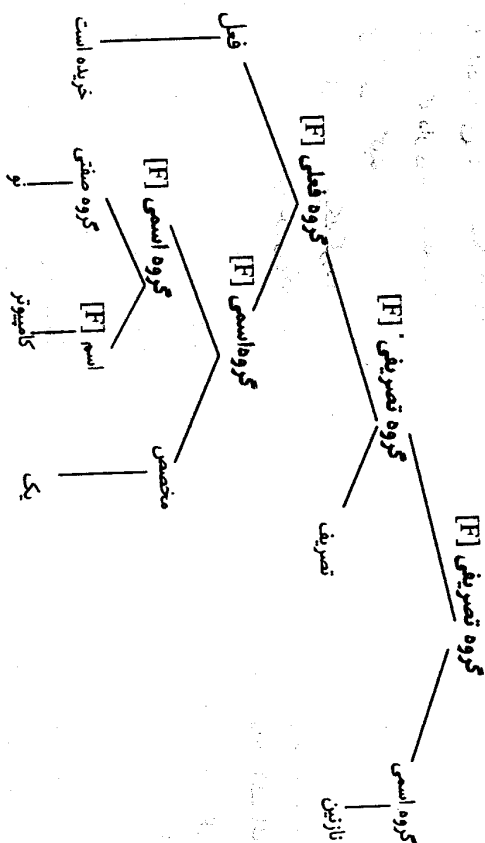
سینک (۱۹۹۳) به بحث ارتباط بین تأکید (اطلاعی) و جایگاه تکیه در جمله می‌پردازد. راینهارت (۱۹۹۴) نیز دیدگاه سینک (۱۹۹۳) را بی‌می‌گیرد و البته آن را تعدیل می‌کند.

سینک (۱۹۹۳) قاعده تکیه اصلی [nuclear stress rule] را در جمله ارائه می‌دهد. طبق این قاعده تکیه جایگاه تکیه جمله و ساختار نحوی آن رابطه وجود دارد. بر این اساس تکیه جمله بر روی درونی [emphatic] سازه جمله قرار می‌گیرد. البته سینک (۱۹۹۳) درباره رابطه بین تکیه و تأکید جمله بحث نمی‌کند، اما از آنجا که طبق قاعده مطرح از سری چکنداف (۱۹۷۲)، تکیه اصلی جمله بر جمله واقع می‌شود نتیجه این است که قاعده تکیه اصلی می‌تواند نشان دهد که محل تأکید جمله قرار دارد. در واقع از آنجا که تکیه اصلی جمله بر درونی ترین سازه قرار دارد پس درونی ترین سازه جمله است (راینهارت ۱۹۹۴، راینهارت و نیلسن ۱۹۹۷).

راینهارت و نیلسن (۱۹۹۷) نیز دیدگاه سینک (۱۹۹۳) را پذیرفته‌اند و البته به طور کلی جایگاه تکیه و تأکید پرداخته‌اند. راینهارت (۱۹۹۴) باور دارد که با پذیرش اینکه تکیه سازه جمله دارای تکیه است، می‌توان گفت این ویژگی باعث ایجاد یک مجموعه تأکید می‌شود. به این ترتیب مجموعه تأکید در هر جمله، شامل هر سازه‌ای است که دربردارنده تکیه باشد. در بخش (۷-۱) بحثی که تحت نام ابهام در تأکید مطرح شد، به دیدگاه سینک (۱۹۹۴) نزدیک است. به این معنی که در جمله (۶)، بخشهای مختلفی مانند مقول، گروه فعلی و کل جمله می‌توانند تأکید جمله باشند، زیرا همگی دارای کلماتی هستند که تکیه اصلی جمله را به خود دارند. البته در همان جمله (۶)، امکاناتی دیگری نیز برای تأکید وجود دارد. مثلاً قاعده تارنین، با صفت نو^{۲۶} می‌توانند تأکید جمله باشند، اما نکته مهم این است که در آن صورت آنها تأکید اطلاعی نیستند زیرا در تقابل با مفاهیم دیگر به کار رفته‌اند. راینهارت (۱۹۹۵) به این نکته اشاره داشته و تأکیدی نشاندار را برای تفسیر جایگاه تکیه در جمله عنوان می‌دارد که در بخش (۳-۲) مطرح خواهد شد.

با توجه به مباحث عنوان شده می‌توان گفت که تأکید اطلاعی، تأکید بی نشان جمله است. سازه‌ای می‌تواند تأکید اطلاعی جمله باشد که دارای واژه‌ای باشد که تکیه اصلی جمله را با خود دارد. و بر

عناصر به طور بالقوه تأکید هستند، اما در هر بافتی یکی از آنها می‌تواند به کار رود. به عبارت دیگر فراخنای تأکید اجباری نیست و به بافتی مرتبط است که جمله در آن به کار می‌رود.



نمودار (۱۰) نحوه فراخنای تأکید

۳ انواع تأکید در فارسی

در بخش (۲) به نمایش تأکید از طریق تکیه و ساخت نحوی جمله پرداختیم. نتیجه بحث این بود که باید میان تأکید محدود که دارای رابطه یک به یک با تکیه جمله است و تأکید گسترده که از طریق اصل فراخنای تعیین می‌شود تمایز بگذاریم. در این بخش قصد داریم به تفاوت این دو نوع تأکید اشاره کنیم. البته برای اشاره به تأکید گسترده، که تأکید بی نشان جمله است، با پیروی از جوی (۱۹۹۴) از اصطلاح تأکید اطلاعی استفاده می‌کنیم؛ و برای اشاره به تأکید محدود، که تأکید نشاندار است، از اصطلاح تأکید تقابلی بهره می‌بریم. در بخش (۳-۱) به تأکید اطلاعی می‌پردازیم و در بخش (۳-۲) ویژگی‌های تأکید تقابلی را عنوان می‌کنیم. این دو نوع تأکید، علاوه بر داشتن تفاوت کلامی، دارای ویژگیهای آوایی و نحوی متفاوتی نیز هستند. به طور کلی، در حالی که تأکید اطلاعی دارای تکیه بی - نشان جمله است و بر اساس دیدگاه سینک (۱۹۹۳) دارای جایگاهی بی نشان نیز می‌باشد، تأکید تقابلی دارای تکیه‌ای قوی تر است و می‌تواند در هر واحدی از جمله به کار رود و حتی دامنه آن

اساس دیدگاه سبینک (۱۹۹۳)، تکیه اصلی جمله بر روی درونی ترین سازه آن قرار دارد؛ پس تأکید اطلاعاتی جمله نیز با آن در ارتباط است. تأکید اطلاعاتی جمله در یافت مشخص می‌شود. در واقع تأکید می‌تواند کل جمله یا بخشی از آن را شامل شود. بخشی که تأکید اطلاعاتی جمله نیست، زمینه است. همانطور که در بخش ۲ عنوان شد، تأکید اطلاعاتی جمله سازهای است که درون خود تکیه اصلی جمله را به همراه داشته باشد. سلکرک (۱۹۹۵) با استفاده از فرآکنی تأکید نشان داد که تأکید اطلاعاتی می‌تواند یک واژه یا کل جمله را در خود داشته باشد. در این بخش با استفاده از دیدگاه سبینک (۱۹۹۳) سعی می‌شود جایگاه بی نشان تأکید اطلاعاتی در جملات مختلف فارسی نشان داده شود. سبینک (۱۹۹۳) قاعده تکیه اصلی را برای تعیین جایگاه بی نشان تکیه جمله در زبانهای مختلف ارائه کرده است:

۱.۱. قاعده تکیه اصلی جمله:

تکیه اصلی جمله بر درونی ترین سازه جمله واقع می‌شود.

به این ترتیب در زبان انگلیسی، سازهای که بعد از فعل می‌آید تکیه اصلی جمله را با خود دارد، و در زبانهای فعل در پایان جمله می‌آید، سازهای که به فعل نزدیکتر است تکیه جمله را با خود دارد (راینهارت و نیلمن ۱۹۹۷، ایشی هارا ۲۰۰۰). در اشاره به زبانهای که دارای آرایش واژگانی [فعل + مفعول] هستند، مانند انگلیسی، و زبانهای که دارای آرایش واژگانی [مفعول + فعل] هستند، مانند فارسی، راینهارت و نیلمن (۱۹۹۷) به ترتیب دو الگوی مطرح در (۱۲) الف و ب را برای نشان دادن تکیه اصلی جمله مطرح کرده‌اند.

۱۲. الف. گروه فعلی [فعل + مفعول]

ب. گروه فعلی [مفعول + فعل]

به این ترتیب مشخص می‌شود که در تعیین تکیه جمله، که فرایندی آوایی است، استفاده از اطلاعات نحوی مانند آرایش واژگانی و درونی ترین سازه جمله لازم است.

برای تعیین صحت و سقم دیدگاه سبینک (۱۹۹۳) و به پیروی از او راینهارت و نیلمن (۱۹۹۷)، چو (۱۹۹۶)، ایشی هارا (۲۰۰۰) و کولز (۲۰۰۳)، به بررسی ساختارهای مختلف جملات فارسی از قبیل جملات لازم، متعدی یا یک مفعول و دو مفعول، جملات دارای فعل ربطی و جملات دارای قید پرداخته می‌شود.

جملات متعدی فارسی با دارای مفعول همراه با 'زا' و یا بدون 'زا' هستند. در مورد نقش 'زا' مطالب بسیاری نوشته شده است که از آن میان می‌توان به دیدگاههای لازار (۱۹۷۰، ۱۹۹۷)، براون (۱۹۷۰)،

کوشی (۱۹۹۰)، قمی (۱۹۹۷)، دبیر مقدم (۱۳۹۹) و شکوهی و کییکا (۲۰۰۳) اشاره کرد. بررسی دیدگاههای افراد مذکور هدف این مقاله نیست و معرفی کامل نظریه‌های مختلف را در دبیرمقدم (۱۳۹۹) و شکوهی و کییکا (۲۰۰۳) می‌توان مشاهده کرد. با بررسی دیدگاههای مختلف در مورد 'زا' می‌توان به این نتیجه رسید که مدگی آنها نقشی کلیدی را برای آن در نظر گرفته‌اند. برخی آن را نشانه همراهی، برآون نشانه مشخص بردگی [specificity]، کرمی نشانه مبتدا، دبیرمقدم نشانه مبتدای تأکید و شکوهی و کییکا آن را همراه با اساسی قابل تشخیص [identifiable] می‌دانند. نکته مشترک این دیدگاهها این است که هیچکدام 'زا' را نشانه اطلاع نو در جمله نمی‌دانند. به این ترتیب می‌توان گفت که در جمله‌ای مفعول همراه با 'زا' باشد، به تنهایی تأکید اطلاعاتی جمله نیست و تکیه اصلی جمله بر آن بخود ندارد. بر این اساس دو جمله (۱۳) الف و ب نشان دهنده ساخت بی نشان جملات فارسی هستند. (۱۳) الف ساختی است که دارای مفعول مستقیم همراه با 'زا' است که قبل از فعل واقع شده است، و (۱۴) ب ساختی است که در آن مفعول مستقیم بدون 'زا' آمده است. در هر دو مثال فعل قرار گرفته است.

۱۳. الف. گروه فعلی [فعل + فعل]

ب. گروه فعلی [فعل + فعل]

در اینجا تأکید اطلاعاتی جمله (۱۳) الف می‌تواند مفعول غیرمستقیم، گروه فعلی و با کل جمله اما فقط مفعول مستقیم نمی‌تواند تأکید اطلاعاتی باشد چون دارای تکیه جمله نیست و به همین دلیل درونی ترین سازه جمله نیز واقع نشده است، و همراه با 'زا' آمده است که اطلاع نو را به همراه می‌دهد. اما در (۱۳) ب تأکید اطلاعاتی جمله می‌تواند مفعول مستقیم (کتاب)، گروه فعلی و یا کل جمله باشد. در این حالت مفعول غیرمستقیم نمی‌تواند به تنهایی تأکید اطلاعاتی جمله باشد چون در درون سازه به فعل نیست. پس تأکید اطلاعاتی در فارسی در حالت بی نشان نزدیکترین عنصر به فعل است؛ البته اگر آن عنصر مفعول مستقیم همراه 'زا' نباشد، زیرا در آنصورت خود فعل تأکید اطلاعاتی بی نشان جمله است.

۲-۳. تأکید تقابلی

کیس (۱۹۹۸) براین باور است که جملات اسنادی شده [cleft sentence] در انگلیسی دارای تأکید تقابلی هستند. وی نمونه (۱۴) را به عنوان شاهد ذکر می‌کند.

14. It was A HAT that Jack bought.

شکر خرید اما زمره آورد خرید.

بررسی از ابزارهای نحوی؛ مانند جملات اسنادی شده (ادیسون بود که برق را اختراع کرد) و شبه اسنادی شده (کسی که برق را اختراع کرد ادیسون بود)، صرفی؛ مانند استفاده از قیود تأکید (فقط، تنها و...)، که تأکید (من که علی را زدم)، و "زا" (امشب را در شیراز می‌مانم)، و آوایی یعنی استفاده از یکپه قنابلی جمله، می‌تواند تأکید قنابلی را نشان دهد. بحث هر یک از موارد مذکور نیازمند فرصتی جداگانه است.

۴ خلاصه و نتیجه گیری

تأکید بخشی از جمله است که دارای اطلاع نو می‌باشد و در مقابل زمینه که دارای اطلاع نو نیست قرار می‌گیرد. تأکید از سویی با ساخت آوایی زبان در ارتباط است و به نظر برخی از زبان‌شناسان دارای تأکید تأثیر با تکیه جمله است، و از سویی دیگر با ساخت نحوی جمله در ارتباط است و تابع اصل نحوی است. همچنین تأکید را می‌توان در دو طبقه تأکید اطلاعی و تأکید قنابلی قرار داد. تأکید آوایی دارای اطلاع نو است، در هر جمله لازم است و تأکید بی نشان جمله است. اما تأکید قنابلی در هر جمله نو به همراه معنای قنابلی است و تأکید نشاندار جمله است.

فهرست منابع

- Birner, B. and Sh. Mahootian. 1996. "Functional constructions in inversion in English and Farsi", *Language Science*, Vol 18, pp: 127-136.
- Browning, M. and E. Karimi. 1994. "Scrambling to object position in Persian", in N. Crover H. van Riemsdijk (eds), *Studies on Scrambling*. Mouton de Gruyter, Pp: 61-100.
- Choi, Hye-Won. 1996. *Optimizing Scrambling in Context: Scrambling and Information Structure*. Ph.D. dissertation, Stanford University.
- Choi, Hye-Won. 1997. "Information Structure, Phrase structure and their Interface", In : M. Butt and T.H.King (eds) *Proceedings of the LFG97 Conference*, CSL.
- Cinque, G. 1993. "A null theory of phrase and compound stress", *Linguistic Inquiry* 24: 239-298.
- Cowles, H.W. 2003. *Processing information structure: evidence from comprehension and production*. Ph. D. Dissertation. University of California. San Diego.
- Dabir Moghaddam, M. 2001. "Word order typology of Iranian languages", *The Journal of Humanities*, vol. 8, no.2, pp: 17-22.

در این جمله سازه A HAT که در ساخت اسنادی شده قرار گرفته است، در مقابل با حداقل یک سازه دیگر، مثلاً a shift واقع شده است. به این ترتیب تأکید قنابلی علاوه بر اینکه اطلاع نو جمله است، در مقابل با عنصر یا عناصر دیگر نیز قرار می‌گیرد. تأکید قنابلی به لحاظ کاربردی می‌تواند عنصری را از یک مجموعه انتخاب کند و در مقابل با اعضای دیگر قرار دهد.

با اینکه در تأکید قنابلی نیز ممکن است اطلاعی نو وجود داشته باشد اما مهم‌ترین ویژگی تأکید قنابلی نوعی تقابل [contrast] است که آن را در برابر عناصر دیگری قرار می‌دهد که این خاصیت تقابل را ندارند (چو ۱۹۹۶، اولدروی و ویلکر ۱۹۹۸). کاربرد تأکید قنابلی با تأکید اطلاعی دارای تفاوت‌هایی است. نخستین تفاوت این است که تأکید قنابلی فقط عنصر یا عناصر خاصی از یک مجموعه را انتخاب می‌کند اما تأکید اطلاعی می‌تواند به یک عضو از مجموعه‌ای اشاره کند در حالی که به معنای نقی بقیه عناصر نباشد. مثال (۱۵) این تفاوت را نشان می‌دهد:

۱۵. تابستان کجاری؟

الف. من به شمال رفتم. (تأکید قنابلی: یعنی فقط شمال و نه جای دیگر).

ب. من به شمال رفتم. (تأکید اطلاعی: یعنی به شمال و احتمالاً مکانهای دیگر رفتم).

مسان‌طور که مشخص است تأکید قنابلی بخشی از یک مجموعه را انتخاب می‌کند و در مقابل با اعضای دیگر مجموعه قرار می‌دهد. می‌توان وظایف زیر را برای تأکید قنابلی در نظر گرفت:

(۱۶) الف. نقش انتخابی. مثال: - مریم شکر خرید یا آرد؟

ج. - او شکر خرید.

ب. نقش محدود کننده:

مثال: - چون مریم شکر و آرد خرید می‌تونه یکیک درست کنه.

ج. - نه، او فقط شکر خرید.

ب. نقش بسط دهنده:

مثال: - چون مریم شکر خرید پس حتماً خیلی خوشحال است.

ج. - بله، اما او آرد هم خرید پس میتونه یکیک درست کنه.

د. نقش جایگزینی:

مثال: - مریم به تهران رفت.

ج. - نه او به مشهد رفت.

د. نقش تأکید برابر:

Vallduv, E. and E. Engdahl. 1996. "The linguistic realization of information packaging", *Linguistics* 34: 459-519.

Vallduv, E. and M. Vilkuna. 1998. "On theme and Kontrast", in Culicover P. and L. McNally (eds), *The Limits of Syntax*. New York: Academic Press, 79-108.

سلطانی، محرم و محمود بی‌جن‌خان. ۱۳۸۱. 'نظام آهنگ زبان فارسی'، مجله زبان‌شناسی، سال ۱۷، شماره ۲، صص ۳۱-۱۲.

سلطانی، محرم. ۱۳۸۲. 'نحو و واج‌شناسی: یک وجه مشترک'، پژوهش‌های زبان‌شناسی ۱ (دوره ۱)، شماره ۱، صص ۱۷۱-۷۶.

نقش‌نامه دکتر علی‌اشرف صادقی، انتشارات هرمس، تهران. صص ۱۷۱-۷۶.

نقش‌نامه دکتر علی‌اشرف صادقی، انتشارات هرمس، تهران. صص ۱۷۱-۷۶.

نقش‌نامه دکتر علی‌اشرف صادقی، انتشارات هرمس، تهران. صص ۱۷۱-۷۶.

نقش‌نامه دکتر علی‌اشرف صادقی، انتشارات هرمس، تهران. صص ۱۷۱-۷۶.

مجله مطالعاتی.

Dayal, V. 1994. "Binding facts in Hindi and the scrambling phenomenon. In Butt et al (eds), 237-262.

Dayal, V. 1999. "Bare NPs. Reference to kinds and Incorporation", *Proceedings of SALT IX*.

Dayal, V. 2003. "Bare nominals : non-specific and contrastive reading under scrambling. In Karimi (ed). *Word Order and Scrambling*. Blackwell.

Ghomshehi, J. 1996. Projection and Inflection: a study of Persian phrase structure. Toronto: University of Toronto dissertation.

Ghomshehi, J. 1997. "Vp-topics in Persian", *Lingua*, 102: 133-167.

Godlevac, S. 2000. Intonation, Word Order, and Focus in Serbo-Croatian, Ph.D. dissertation, Ohio State University.

Hockey, B. Ann. 1998. The interpretation and realization of focus: an experimental investigation of focus in English and Hungarian. Ph.D. Dissertation, University of Pennsylvania.

Ishihara, S. 2000. "Stress, Focus and Scrambling in Japanese", in *MIT Working Papers in Linguistics*, 39: 142-175.

Karimi, S. 1990. "Obliqueness, specificity and discourse functions: Ra in Persian" *Linguistic Analysis*, 20: 139-191.

Karimi, S. 1997. "Complex verbs in Persian", *Lexicology*, 3, 1: 274-316.

Karimi, S. 1999. "Is scrambling as strange as we think it is?", *MIT Working Papers in Linguistics* 33: 159-190.

Karimi, S. 2001a. 'Word order and scrambling', a talk presented in workshop at Persian linguistics, Allame Tabataba'i University.

Karimi, S. 2001b. "Persian complex DPs: how mysterious are they?", *Canadian Journal Of Linguistics*, 46(1/2): 63-96.

Karimi, S. 2003. "Object positions and scrambling in Persian", in Karimi (ed). *Word Order and Scrambling*. Blackwell.

Kiss, Katalin E. 1998. "Identificational focus versus information focus", *Language*, 74: 245-273.

Miyagawa, S. 1997. "Against optional scrambling", *Linguistic Inquiry*, 28: 1-25.

Nikolaeva, Irina. 2001. "Secondary topic as a relation in information structure", *Linguistics*, 39: 1, 1-49.

Reinhart, Tanya. 1996. "Interface economy: focus and markedness", In: *The Role of Economy Principle in Linguistic Theory*, C. Wilder et al (eds), Berlin: Akademie Verlag.

Reinhart, Tanya and Ad Neeleman. 1997. "Scrambling and PF interface", in W. Cobler and M. Butt (eds) *Projection from the Lexicon*, CSLI, Stanford.

Sekerina, I. 1997. The syntax and processing of scrambling in Russian. Ph.D. dissertation, The city University of New York.

Szendori, Kriszta. 2001. Focus and the Syntax-Phonology Interface, Ph.D. Dissertation, University College London.

Vallduv, Enric. 1990. The Information Component. Ph.D. Dissertation. University of Pennsylvania.